

صلوات
بر محمد
وآل
محمد

سراینده: علیرضا لطفی
(حامد اصفهانی)

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: صلوات شمیم رحمت

سراینده: علیرضا لطفی (حامد اصفهانی)

خوشنویسی: استاد محسن بهارزاده
استاد احمد ذاکری

نگارگری: استاد رضا بدرالسمما
طراحی: محمد بدرالسمما

تدوین و صفحه آرایی: فریده باقری

تاریخ سرایش: شهریور ۱۴۰۳





السلام عليكم يا ربيع الانعام
ونصرة الالام





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صلوات بر محمد و آل
صَلَاةٌ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

به استحضار خوانندگان گرامی می‌رسانم

اینجانب علیرضا لطفی متخلص به حامد اصفهانی
جانباز و آزاده دفاع مقدس نتیجه‌ی مرحوم سید
یوسف سید موسوی

برادر شاعر هزل سرا سید جعفر سید موسوی
متخلص به خاکشیر اصفهانی

از کودکی با شرکت در گروه‌های سرود
و مداحی در هیئات مذهبی به سرودن

اشعار مذهبی و آیینی روی آورده و محور اشعارم
بیشتر پیرامون مدح اهل بیت بویژه

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود
دیوان اشعار خود را تحت عنوان سحر حلال سحر
سال ۱۳۸۹ منتشر نمودم

و در سال ۱۳۹۲ همزمان با دهه‌ی کرامت با توجه به
اهانت معاندان به ساحت مقدس پیامبر اعظم
صلوات الله علیه از محضر امام رئوف علی بن
موسی الرضا علیه السلام درخواست نمودم در پاسخ
آن اهانت حقیر را در انتشار کتابی پیرامون صلوات

یاری نمایند.

و این درخواست از جانب آن حضرت اجابت شد و در کمتر از چند ماه کتاب نفیس صلوات سرود آسمانی منتشر گردید.

استقبال از این کتاب موجب انتشار کتاب دوم صلوات سرود آسمانی شد و جلد سوم صلوات سرود آسمانی نیز تدوین و متاسفانه به دلیل تورم و عدم حمایت مراکز و نهادهای فرهنگی منتشر نگردید. با این حال سرودن اشعار صلواتی و فلسفی و عرفانی همچنان تداوم یافت.

بشارت این توفیق در غزلی در سحر یکی از شب های سال ۹۲ به حقیر ارزانی شد که

**هاتفم در سحر از غیب بشارت می داد
که نشانت بدهم لوح قطور صلوات**

این غزل در کمتر از چند دقیقه سروده شد و همواره ذهن حقیر را درگیر کرده بود که لوح قطور صلوات چیست که قرار است به من نشان دهند؟!

و اینک که بیش از ۱۱ سال از آن بشارت می گذرد
بیش از ۵۰ دفتر و مجموعه اشعار
به حقیر ارزانی شده است.

کتاب ها و مجموعه های زیر نمونه ای از مجموعه
های با محوریت صلوات است.

۱- دفاتر تحفه الاسحار گوهر اسرار در ۲۵ دفتر

۲- پیروز شد انقلاب ما با صلوات

۳- صبح ظهور صلوات

۴- ظهور صلوات

۵- رجعت صلوات

۶- بهار صلوات

۷- ملکوت صلوات

۸- حکمت صلوات

۹- سرشک صلوات بر قتیل العبرات

۱۰- غدیر و صلوات

۱۱- نسیم صلوات

۱۲- انوار صلوات

۱۳- گلشن صلوات در دست تدوین

- ۱۴- نور الانوار
- ۱۵- بهشت صلوات
- ۱۶- وجد الوجود فی معرفه المعبود
- ۱۷- وجد الوجود فی فرج الموعود
- ۱۸- وجد الوجود فی شاهد و المشهود
- ۱۹- چهل پرده عشق
- ۲۰- الهی نامه
- ۲۱- محرم اسرار محرم یا محرم نامه
- ۲۲- گنج حضور صبح ظهور
- ۲۳- گنج حضور ظهر ظهور
- ۲۴- گنج حضور عصر ظهور
- ۲۵- صلوات ترانه ی عشق
- ۲۶- صلوات شمیم رحمت کتاب حاضر

واشعار پراکنده که موفق به تدوین آن نگردیده ام
سرایش اغلب کتب اخیر با بهره گیری از صنعت
التزام است که خوانندگان گرامی را ملتزم به
فرستادن صلوات می نماید
و حقیر نیز برای تک تک ابیات آن خود را ملزم به
فرستادن صلوات نمودم.

شایان ذکر است که در بین ابیات اسراری از ظهور
بیان گردیده است که امید است.

خوانندگان گرامی با دقت بیشتر به آن اسرار دست
یابند.

ان شاء الله

علیرضا لطفی (حامد اصفهانی)

۲۴ شهریور ۱۴۰۳

پرتو نور صلوات

شب گریزان شود از پرتو نور صلوات
دیده بگشا بنگر صبح ظهور صلوات

گوش دل باز کن و نغمه ی اسرار شنو
لحن داودی و آوای زیور صلوات

زنگ املا بد و جبریل بگفتم املا
می نوشتم به سحر متن وسطور صلوات

هاتفم در سحر از غیب بشارت می داد
که نشانت بدهم لوح قطور صلوات

روزگاری است که ما چشم به راهت هستیم
صبح موعود شود شور و سرور صلوات

پرده انداز ز رخ تا بسراییم همه
شد اجابت همه ی ختم و نذور صلوات

می شوم مست تماشا ی جمالت ساقی
سر کشم از قدحت شرب طهور صلوات

به امید قبسی "حامد" اگر آمده ای
دل قوی دار در این وادی طور صلوات

می رهد ز آتش دوزخ به قیامت هرکس
دیدگان دوخته بر رب غفور صلوات

حامد اصفهانی

صلوات شمیم رحمت ۱

بسم الله الرحمن الرحيم
از صلوات آمده اینک شمیم

هر صلواتی ز خدا رحمت است
شمیم خوش رسیده از جنت است

گو صلوات و گل جنت ببو
ز بوی آن گمشده کن جستجو

با صلواتی شدم حاجت روا
گرفتم از شمیم یاسش شفا

تا صلوات است شمیم چنان
چرا روم جانب هر بوستان؟!

هر صلواتی بدهد بوی گل
بوی دل انگیز ز ختم رسل

با صلواتی به جنان رو کنم
عطر گل محمدی بو کنم

هر صلواتی بدهد بوی یاس
هدیه ی فاطمه بر کل ناس

گو صلوات و عطر و عنبر ببو
عطر محمد تو ز حیدر ببو

با صلوات خود ببو یاسمن
شمیم گیسوی حسین و حسن

با صلوات تو ببو عطر سیب
ز قتلگه کنار قبر حبیب

شمیم رحمت صلوات بود
ترنم هر دو حیات بود

هر صلوات بدهد عطر گل
لب به لب نهاده ختم رسل

با صلوات خود صفا کن صفا
نشین کنار حیدر و مصطفی

با صلوات خود بشو مست مست
ساغر این می چو تو داری به دست

با صلوات خویش خوشبو شوی
واله آن طره و گیسو شوی

با صلوات نگر آن خط و خال
به عارض مهدی نیکو خصال

با صلوات بشو همواره مست
ساغر کوثر هدت او به دست

با صلوات خویش مستی کنم
وز می او باده پرستی کنم

در صلوات مست مستم مدام
تا نگرم روی ربیع الانام

با صلوات دل شود پر سرور
خاصه که می دهد نوید ظهور

لوح قطور صلواتم ببین
نک شده صد دفتر و بس بیش از این

بین صلواتی تو به هر بیت من
به عشق روی حجة ابن الحسن

با صلوات خود به صد شوق و شور
شدم مهیا که کند او ظهور

با صلوات خانه جارو کنم
با صلوات خانه خوشبو کنم

با صلوات بر لبم روز و شب
به سینه ام نهاده دست ادب

با صلواتی همه غوغا کنید
گمشده را به سینه پیدا کنید

با صلوات آمده اینک بهار
به شوق رویش شده ام بیقرار

با صلواتی به سر شاخسار
شکوفه ها شکفته نک بیشمار

هان به بهاران صلوات و سلام
بهار هستی ربیع الانام

با صلواتی همه جا شادی است
خلق جهان موسم آزادی است

با صلواتی شده عالم پدید
محمد آن شمس نبوت دمید

با صلواتی همه بت‌ها شکست
تا که کند خلق خودش حق پرست

گو صلوات و ره وحدت پیو
کن تو رها کثرت و حق را بجو

با صلوات به محمد مدام
به عرش رحمان تو بگیری مقام

با صلوات نگر آن اقتراب
به قاب قوسین رسی با شتاب

با صلوات به محمد نگر
شوی تو سیمرغ، گشا بال و پر

با صلوات به محمد رهی،
ز جهل و ظلمت، رسی بر آگهی

با صلوات خویش بیدار شو
مست محمد شو و هشیار شو

با صلوات می توان او شوی
بسته بر آن طره و گیسو شوی

با صلوات تو محمد شوی
بر همه عاشقان سر آمد شوی

با صلوات خود کنون حامدا
با همه قدسیان شوی همنوا

حامد اصفهانی

۱۹ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۲

در صلوات رحمت الله بين
محمد آن رحمت للعالمين

با صلوات خویش پروردگار
می کند اسرار جهان آشکار

با صلوات بر محمد خدا
عالم هستی بنموده بنا

با صلواتی گل آدم سرشت
به روح خود دمیده در او بهشت

با صلوات خود به خلق جهان
نموده افشا همه گنج نهران

با صلوات خود خدا دم به دم
تمام هستی بنموده حرم

با صلوات حرم دل ببین
نزد ملیک مقتدر می نشین

با صلوات چو بصر وا کنی
گمشده را به دل تو پیدا کنی

با صلوات در رحمت گشا
به نفس خود نوشته رحمت خدا

با صلوات خود همی کردگار
به گردش آورده همی روزگار

دان صلواتش همه موسیقی است
کرده به آهنگ جهان مست مست

با صلواتش به کفش ارغنون
برده خلاق به مسیر جنون

در صلواتش همه آهنگ ها
برده به پایان همه ی جنگ ها

در صلواتش همه صلح و صفا
به یمن روی خاتم الاوصیا

با صلواتی تو محمد ببین
ز اولین خلقت و تا آخرین

با صلواتی همه عاشق شویم
رسته ز هر بند و علایق شویم

گو صلواتی و بگو یا علی
دور کن از دیده ی خود احولی

گو صلوات و همه را بین احد
تا غم و اندوه تو پایان رسد

با صلوات راز خود را بیاب
کز دل تو برون رود اضطراب

حق صلوات بر خودش کرده فرض
سبح لله سماوات و ارض

با صلوات خود رب العالمین
گفته به خود نعبد و هم نستعین

با صلوات خویش غوغا نمود
همره قدسیان محمد ستود

با صلوات کرده فتح الفتوح
به جسم آدمی دمیده چو روح

با صلواتش بشر احیا نمود
پس به ملک امر نمودش سجود

با صلوات خویش پروردگار
نموده تکریم بشر بیشمار

با صلواتش به محمد همی
نموده تکریم بنی آدمی

گر صلوات خود فرستی بر او
دهد خداوند تو را آبرو

هر صلواتی تو کرامت دهد
سیر تو را سوی سلامت دهد

هر صلواتی به تو بنموده راه
گو صلواتی و مکن اشتباه

هر صلوات تو به ختم رسل
دهد عبورت ز صراط و زیل

با صلواتی گذری از جحیم
ز جنت آرد صلواتت شمیم

با صلواتی گل جنت بیوی
ز بوی آن یوسف زهرا بجوی

با صلواتی به هر آن انجمن
رسد شمیم حجة ابن الحسن

با صلوات بر محمد بیا
نظاره کن یوسف خیر النسا

با صلوات خود کنون حامدا
ده تو بشارت رسد آن مه لقا

حامد اصفهانی

۲۰ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۳

با صلوات تو چو فانی شوی
با خبر از اصل معانی شوی

با صلواتی به خدا همدمم
واقف اسرار بنی آدمم

گو صلواتی و بگو یا علی
تا که شود حل ز تو هر مشکلی

با صلوات و یا علی یا علی
ز بحر طوفان زده در ساحلی

با صلوات خود به معراج رو
ز قدسیان ذکر علی را شنو

هر صلواتی بردت اوج اوج
خیل فرشتگان نگر فوج فوج

با صلوات و ذکر هو یا علی
نگر ملائک تو به هر منزلی

با صلوات خویش هو هو کنم
عطر گل محمدی بو کنم

هر صلواتی شودت چاره ساز
غیر خدا از همه کن احتراز

با صلوات همه را زن کنار
بین همه را جلوه ی پروردگار

با صلواتم به محمد سحر
از همه اسرار شدم باخبر

با صلوات چهره ی یار بین
تبارک الله احسن الخالقین

از صلوات بین جهان غرق نور
یوسف زهرا بنموده ظهور

با صلواتی همه غوغا کنید
یار پریچهره تماشا کنید

با صلواتی همه شادی کنید
وز شهدا هماره یادی کنید

با صلواتی برسد بی گمان
منجی ما مهدی صاحب زمان

گو صلوات و دل به مهدی سپار
تا که کند چهره ی خود آشکار

با صلوات آینه بندان کنید
هستی خود را همه قربان کنید

باصلوات برسد او ز راه
چهره ی مهدی تو نمایی نگاه

ماه ربیع ماه ربیع الانام
هدیه به او کن صولت و سلام

با صلوات خود دل آینه کن
برون ز دل هر حسد و کینه کن

با صلواتی پر و بالت گشا
به قاب قوسین رسی تا خدا

با صلواتی بررسی خود به ذات
فراتر از نجوم و جمله کرات

گو صلوات و خود تو اعجاز کن
هر در بسته را خودت باز کن

با صلواتی به خود ایمان بیار
خود تو خدایی خود پروردگار

بی صلوات تو به خود کافری
ورنه تو اسرار نهان بنگری

گو صلواتی و تو بیدار شو
وز می حق نوش و تو هشیار شو

گو صلواتی و ز غفلت در آ
یک یک ذرات وجودت خدا

حضرت ختم الشعرا حامدم
با صلواتی به جهان آمدم

با صلوات خود چو فانی شدم
غرق در این بحر معانی شدم

با صلوات خود منم بی گمان
شاعر در بار امام زمان

ز گفتن راز نه پروا کنم
با صلواتم همه افشا کنم

با صلوات خود قیامت کنم
امر خدای خود اجابت کنم

این صلوات است همان نفخ صور
منتظران آمده صبح ظهور

حامد اصفهانی
۲۱ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۴

ای صلوات ای ضربان قلوب
فرج عنا غمرات الکروب

ای صلوات ای همه تسبیح حق
شرح رموز تو هزاران ورق

ای صلوات ای همه الله و نور
نغمه ی آزادی صبح ظهور

ای صلوات ای همه آوای یار
نغمه ی بلبل به سر شاخسار

هر صلواتی بردت آسمان
فراتر از نجوم و هر کهکشان

با صلواتی ملحدان لعن کن
ریشه ی دشمنان کن از بیخ و بن

گو صلواتی و تو هشیار شو
رها ز غفلت شو و بیدار شو

با صلواتی پرده ها زن کنار
تا شود اسرار تو را آشکار

با صلوات بر محمد مدام
باش مهبای ظهور و قیام

هر صلوات در تو دارد اثر
مرغ دلت را بدهد بال و پر

به قاب قوسین رساند تورا
هر صلواتی که فرستی اخوا

با صلوات ناب خود دان یقین
رسی به اوج و منزل آخرین

با صلوات خالص و ناب ناب
منزلت می دهد آن مستطاب

در صلوات بین تو اعجاز عشق
این صلوات بوده آواز عشق

با صلوات نور مطلق شوی
وعده ی حق تو خود محقق شوی

با صلوات شده ای جانشین
خلیفه الله به روی زمین

با صلوات خود بصیرت بخواه
تا به طریقت نکنی اشتباه

با صلوات غرق در نور شو
ز نفس شیطانی خود دور شو

با صلوات خود تو اعجاز کن
هر در بسته در جهان باز کن

گو صلواتی و بخواه از خدا
به خود کند خلق خودش آشنا

با صلواتی همه بیدار کن
جلوه گر آن جلوه ی دلدار کن

وز همه ی خلق جهالت زدا
زان صلواتی که فرستی خدا

با صلواتی همه آسوده کن
چاره ی این بنده ی آلوده کن

با صلواتی ز تو خواهم نگار
چهره ی مهدی تو کنی آشکار

با صلوات خود که باشد مدام
جلوه کنی خود به ربیع الانام

با صلوات خود که پیوسته است
جلوه نما که بنده ات خسته است

با صلوات غم ما چاره ساز
بنده ی خود کن ز همه بی نیاز

با صلوات خود من اینک خدا
با تو و قدسیان شدم همنوا

با صلواتم به تو دل داده ام
مست خودت کن تو ز آن باده ام

با صلواتی به تو دل بسته ام
به غیر تو از همگان خسته ام

با صلواتم به تو نک همنوا
جمله ی حاجات مرا کن روا

زین صلواتم ز تو خواهم خدا
کز همه ی خلق جهالت زدا

با صلوات خود خدای ودود
رسان فرج را به همه زود زود

با صلوات همه بیدار کن
چاره بر این خلق گرفتار کن

با صلوات تو نمودی شروع
این همه بازی به اصول و فروع

با صلوات خود تو پایان بده
بر همه آلام تو درمان بده

با صلوات بده ما را شراب
چند دهی خلق خمارت عذاب؟!!

با صلوات تو خودی مست مست
خود بتی و ما همگی بت پرست

با صلواتی بده بازی تمام
به دیدن روی ربیع الانام

با صلواتی همه را مست کن
جلوه چو آن آتش آنست کن

با صلواتی بده پایان ستیز
آب بر این آتش سوزان بریز

با صلوات همه بیدار کن
راحت از این جنگ دل آزار کن

با صلواتی همه بر کربلا
و آن همه اسرار نما بر ملا

با صلوات خود بگیر انتقام
ز جهل مردم به ربیع الانام

با صلوات خود تو ای ذوالکرام
بر همه ی خلق کن آتش حرام

با صلوات در رحمت گشا
کن همه را ز رنج و محنت رها

با صلوات همه کن سر بلند
جلوه به مهدی کن و بر ما بخند

با صلواتی همه شیدا کنی
جمله ی اموات تو احیا کنی

با صلوات خود مسیحا دمی
در پی احیای بنی آدمی

با صلوات خود مسیح آوری
تا که کند مهدی ات یاوری

با صلوات می شود گلستان
ز آمدن مهدی صاحب زمان

با صلوات خلق هر انجمن
جلوه نموده حجة ابن الحسن

با صلوات بکن افشا گری
به حجة ابن الحسن العسکری

با صلوات تو چو غوغا کنی
جمال مهدی تو هویدا کنی

با صلوات خود تو آیینه سان
جلوه کنی به روی صاحب زمان

با صلوات آینه بندان کنیم
چهره ی خود را همه خندان کنیم

با صلوات آمده اینک بهار
رسیده پایان دگر آن انتظار

با صلوات همه کن شادمان
گامده آن مهدی صاحب زمان

با صلوات ارحم الراحمین
آمده آن منجی مستضعفین

با صلواتی همه صالح شویم
به دشمنان یکسره فاتح شویم

گو صلوات و زن شیاطین کنار
جلوه نما ذخیره ی کردگار

با صلوات خویش یابن الحسن
کن همه را رها ز رنج و محن

با صلوات خود لثارات خوان
بر همه ی خلق رخت کن عیان

با صلوات پسر فاطمه
رنجه قدم کن به سر ما همه

با صلوات پسر عسکری
جلوه کنی از همه دل می بری

با صلوات دلم آیینه کن
جلوه همی درون این سینه کن

با صلوات خود بتابان تو نور
درون قلب همه بنما ظهور

با صلوات خود تو یابن الحسن
جلوه کنی به قلب هر مرد و زن

با صلوات خود شیاطین بسوز
کن شب هجران خودت را تو روز

با صلوات و ذکر امن یجیب
بر همه آلام بشر شو طبیب

با صلواتی همه را ده شفا
یوسف گمگشته ی زهرا بیا

با صلواتی همه را کن بصیر
تا همه خوانیم دعای مجیر

با صلواتی همه را ده نجات
دوباره تجدید بگردان حیات

با صلوات همه احیا کنی
معجزه مانند مسیحا کنی

با صلوات خودی الله ونور
تو از ازل نموده بودی ظهور

با صلوات خویش مهدی تویی
خسته ز این هجر و بد عهدی تویی

حامد اصفهانی

۲۲ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۵

با صلوات خود محمد تویی
بر همه ی خلق سرآمد تویی

با صلوات خود محمد، علی
کنی کفایت به هر آن مشکلی

با صلوات خود به ایام حج
نمودم امضا به خلائق فرج

با صلوات خویش بنما شتاب
خلق جهان را برهان از عذاب

با صلوات خویش یابن الحسن
ز ریشه بنیان ستم را بکن

با صلواتی بشنیدم عجیب
نصر من الله وفتح قریب

با صلواتی همه یاری کند
نغمه سرایی چو قناری کند

با صلواتی چو گل یاسمن
جلوه نموده حجة ابن الحسن

با صلواتی همه یارش شویم
همنفس بانگ هزارش شویم

با صلوات خود در این روزگار
ما همه مهدی همه پروردگار

با صلوات می توان او شدن
بسته به آن طره و گیسو شدن

با صلوات آمده صبح ظهور
موسم عیش و طرب است و سرور

با صلواتی چو بصر وا کنی
یار در آیینه تماشا کنی

با صلواتی تو چو بزم عروس
در بر آیینه تو مهدی بیوس

معنی ذکر صلوات است همین
خلیفه الله شوی در زمین

پرچم عشقش شده در اهتزاز
زین صلوات و این همه رمز و راز

با صلوات خود به صد اشتیاق
بگشته بنیان کن شرک و نفاق

با صلواتش همه مستضعفان
رها ز غم کرده امام زمان

با صلوات بر محمد و آل
آمده آن منجی نیکو خصال

با صلوات بر محمد ببین
وراثت زمین تو بر صالحین

با صلوات خود همی حامدا
تمام اسرار نما بر ملا

حامد اصفهانی

۲۲ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۶

فرشتگان با صلوات و درود
نغمه سرایند به صدها سرود

با صلوات خود همی صف به صف
دست فشان بین همه با چنگ و دف

با صلوات و یا علی یا علی
به آسمان ها شده بس محفلی

با صلوات و یا علی در سرور
منتظر فرج به صبح ظهور

با صلوات و یا علی بیقرار
تا که به پایان برسد انتظار

با صلوات خود به هفت آسمان
منتظر مهدی صاحب زمان

با صلوات قدسیان دم به دم
پیش نهد یوسف زهرا قدم

با صلوات خود چه غوغا کنند
تا که جمال او تماشا کنند

با صلوات همه ی قدسیان
چو همنوا گشته بسی انس و جان

با صلوات خود به وحدت رسیم
آمده بر عهد الست از قدیم

با صلوات خود شویم رستگار
شمیم رحمت رسد از کردگار

با صلواتی همه ی شاهدان
آمده بر زمین ز هفت آسمان

با صلواتی همه ی شاهدان
آمده با خیل ملک ناگهان

با صلواتی همه رجعت کنند
تا ز امام خود حمایت کنند

با صلواتی همه یاد آورید
که یوسف فاطمه ی اطهرید

با صلواتی برو هفت آسمان
جلوه ی حق بین تو به هر کهکشان

با صلوات خود تو قدرت بیاب
حی علی صلوات بنما شتاب

این صلوات همه شهد و غسل
حی علی صلوه و خیر العمل

با صلوات خود به پا کن نماز
که بانمازت تو شوی بی نیاز

باصلوات تو غنی می شوی
رها ز هر اهرمنی می شوی

با صلوات خود به روز و شبان
جلوه کند بر تو امام زمان

باصلوات تو شوی فوق نور
همره مهدی بنمایی ظهور

باصلوات به سما کن عروج
نما از این نفس بهیمی خروج

با صلواتی برتری از ملک
گر که ادا کنی تو حق نمک

با صلواتی بکن حقش ادا
از رگ گردن به تو اقرب خدا

با صلوات است طپش های دل
مفتعلن مفتعلن مفتعل

با صلوات و با سلام و درود
همره قدسیان بخوان این سرود

صل علی مهدی صاحب زمان
صل علی منجی مستضعفان

صل علی عشق علیه السلام
مهدی موعود ربیع الانام

صل علی ذخیره ی کردگار
که وجه خود کند به او آشکار

هر صلواتی که فرستی پسر
بر تو رسد ز خالق دادگر

پس صلوات به تو رجعت کند
وز صلوات به تو رحمت کند

با صلوات تو خودت کن قیام
یاور او باش در این انتقام

باصلوات تو بگیر انتقام
ز جهل خود ز غفلت صبح و شام

باصلوات همه جا بین خدا
وجه خدا را بنگر هر کجا

باصلوات تو به غیب و شهود
می نگری غیر حق هرگز نبود

باصلواتی شده بازی تمام
بازی حق بود و دگر والسلام

باصلواتی شده نک آشکار
بازی پیچیده ی پروردگار

گو صلوات و همه را دان عدم
شاه و گدا یکی به بیش و ز کم

باصلوات خود رسی بر خدا
غیر خدا را همه را کن رها

گو صلواتی و ببین ای بشر
در دل خود حجت ثانی عشر

با صلواتی کنم افشا گری
ز حجة ابن الحسن العسکری

با صلوات خود عبادت کنید
جمله طلب شهد شهادت کنید

با صلوات خود شدم من شهید
شاعر دل داده چو حامد که دید؟!

حامد اصفهانی

۲۲ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۷

با صلواتی شهدا در رهند
که از ظهور حضرتش آگهند

با صلواتی همه را بین تو شاد
صبح قیامت شد و صبح معاد

با صلواتی همه بین صف به صف
به کربلا رسیده نک از نجف

با صلواتی همه بینی یقین
راهی کربلا چو آن اربعین

با صلواتی چه غزلخوانی است
موسم رجعت سلیمانی است

با صلواتی چو گلستان شده
موسم رجعت شهیدان شده

با صلوات خویش آید حسین
تا که به عالم بکند شور و شین

با صلواتی تو مهندس بین
فدایی نو گل نرگس بین

با صلواتی همه ی شاهدان
آمده همراه امام زمان

با صلواتی همه پریر شدند
فرش ره امام آخر شدند

با صلواتی همه همسنگران
دیده رخ مهدی صاحب زمان

با صلواتی همه کرده نظر
به چهره ی امام ثانی عشر

با صلوات خویش جان داده اند
باز به رجعت همه آماده اند

این صلوات خوش خرازی است
با صلواتی به سرافرازی است

با صلوات آینه بندان شده
فرش رهش خون شهیدان شده

این صلوات خوش ردانی است
که خوشتر از هر چه غزلخوانی است

با صلواتی بنگر باکری
فدا شده بر پسر عسکری

با صلوات جلال افشار بین
گشته فدای مهدی مه جبین

با صلوات خویش همت ببین
که با شهادت شده خلوت نشین

با صلواتی ز ازل تا ابد
مرحمت خدا بود بی عدد

با صلوات بر شهیدان عشق
رها کن عالم ز همه جور و فسق

با صلوات خویش پروردگار
جلوه نموده بی عدد بیشمار

به روی مهدی خدای غفور
با صلوات خویش کرده ظهور

با صلواتی بنگر یار را
آن مه عاشق کش عیار را

با صلواتی شده دیگر تمام
دوره ی هجران ربیع الانام

با صلواتی بروم جمکران
به شوق دیدار امام زمان

با صلوات خود کران تا کران
هر دو سرا گشته ز او گلستان

با صلواتی همه شادی کنان
محو تماشای امام زمان

حامد اصفهانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۱

با صلواتی همه شب تا سحر
منتظرم تا که بیابی ز در

با صلوات همه ی عاشقان
یوسف زهرا بکند رخ عیان

با صلوات خود خدای ودود
ترانه در مدح محمد سرود

با صلوات خود محمد شده
بر همه ی خلق سرآمد شده

با صلوات خود خدا شد علی
که با علی حل کند هر مشکلی

با صلوات خود به رشد بشر
خلق شیاطین بنمود و خطر

با صلوات و با هزاران دلیل
گفته هدیناه و طریق و سبیل

با صلوات خود بگفتا چنین
بین به درون خود عدو مبین

با صلواتی چو شوی عبد من
می رهی از فتنه ی هر اهرمن

با صلواتی شده وقت ظهور
زفتنه ی نفس خودت کن عبور

با صلواتی همگی بشنوید
خانه ی شیطان شده کاخ سفید

گو صلوات و تو مکن اشتباه
کعبه دلت بوده نه بیت سیاه

با صلواتی به دلت تکیه زن
جلوه نما چو حجة ابن الحسن

با صلواتت به حقی متصل
می نگری خود حرم الله، دل

با صلواتت تو شوی فوق نور
در تو کند یوسف زهرا ظهور

با صلواتت تو بدان قدر خویش
به هر مرامی و به هر دین و کیش

با صلواتت تو شوی مطمئن
که در امانی ز شیاطین و جن

با صلواتی دلت آرام کن
بر تن خود جامه ی احرام کن

با صلواتی بطلب از خدا
خلق خودش را کند از غم رها

با صلوات خود بخواه از خدا
تا دهد آلام بشر را شفا

هر صلواتی علم و حکمت بود
درد بشر درد جهالت بود

با صلوات خود خدای غفور
ز جهل و ظلمت همه را ده عبور

با صلوات ، خود تو رحمت کنی
خلق خودت به خود هدایت کنی

با صلوات همه احمد کنی
پرتو انوار محمد کنی

با صلوات خویش پروردگار
پرده ز اسرار جهان زن کنار

با صلواتم همه دم در جنون
من ز خدا و سوی او راجعون

با صلوات این منم ای بشر
از رگ گردن به تو نزدیکتر

با صلواتم همه شیدا کنم
جلوه کنم حل معما کنم

من صلواتم همه الله و نور
سوی من آید که نک شد ظهور

با صلواتی حامدم بی گمان
شاعر دربار امام زمان

لوح قطور صلواتم خدا
کرده عطایم به بسی رازها

این صلواتم شده پر رمز و راز
پرچم عشقش شده در اهتزاز

با صلوات خود به هر انجمن
عیان کنم چهره ی ابن الحسن

حامد اصفهانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۳

همزمان با نهم ربیع الاول ۱۴۴۶

آغاز امامت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
الشریف

صلوات شمیم رحمت ۹

باصلوات بنما نک شتاب
گو صلواتی و بیفکن نقاب

باصلوات همه بت ها شکن
بت شکنی تو حجة ابن الحسن

باصلوات همه بیدار کن
چاره بر این خلق گرفتار کن

باصلوات پسر فاطمه
رخ بنما و چاره کن بر همه

باصلوات گل نرگس بیا
کن همه را به دین حق آشنا

باصلوات دو جهان کن بهار
چو ابر رحمت تو بستان بیار

باصلوات بکن اعجازها
پرده بیفکن ز همه رازها

باصلوات چو تو غوغا کنی
درد بشر را تو مداوا کنی

باصلوات تو بخوان پر سرور
خلق جهان نمودم اینک ظهور

باصلوات تو بگویی یقین
بر همه عشاق تو هل من معین

باصلواتی یا لثارات گو
دیده ی عشاق ز غفلت بشو

باصلوات همه را کن تو پاک
بین همه عشاق خودت سینه چاک

باصلوات همه آسوده کن
چاره بر این دیده ی آلوده کن

ای پسر فاطمه یابن الحسن
باصلوات ببر از دل محن

با صلواتی به تو دل بسته ایم
ز هجر رویت همگی خسته ایم

باصلوات همه را ده نجات
قیامتی کن همه را ده حیات

با صلوات خویش یابن الحسن
نقاب غفلت تو ز چشمان فکن

باصلوات تو فکندی نقاب
لیک خلائق همگی بوده خواب

باصلوات همه بیدار کن
به یک نظر مست و تو هشیار کن

به صبح آدینه به شور تمام
با صلواتی بنمودم قیام

این صلوات و لطف حق بیکران
روز امامت امام زمان

با صلواتی همه شادی کنیم
که رحمت آورده خدا زین شمیم

با صلواتی شده اینک تمام
دوره ی هجران ربیع الانام

حامد اصفهانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۳

صبح جمعه همزمان با نهم ربیع الاول ۱۴۴۶ آغاز امامت
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

صلوات شمیم رحمت ۱۰

با صلواتی شده غیبت تمام
یوسف زهرا بنموده قیام

با صلوات خود قیامت کند
از همه مؤمنان شفاعت کند

با صلواتی همه مومن شوید
ز مکر شیطان همه ایمن شوید

با صلواتی بشو خود یار یار
یاور بر ذخیره ی کردگار

با صلواتی همه مهدی شویم
فارغ از جهل و بد عهدی شویم

باصلوات چو شدی فوق نور
بر تو کند یوسف زهرا ظهور

باصلوات بشو انصار او
دیده شد آیینه همو روبرو

باصلواتی چو به وحدت رسی
غیر خداوند نبینی کسی

باصلواتی تو ز کثرت در آ
به وحدت آی و همه را بین خدا

باصلوات تو خودت ده نجات
زال محمد به حیات وممات

باصلوات خود تفکر نما
جام خود از باده ی حق پر نما

باصلواتی تو به شرب طهور
مست شوی و خود نمایی ظهور

با صلوات خود تویی بی گمان
شاعر دربار امام زمان

با صلواتی کند عالم خراب
ز دیدگان دهد به عالم شراب

با صلواتی کند او مست مست
عالم و دنیا کند او حق پرست

با صلواتی همه پروانه وار
به گرد شمع یوسف روزگار

زین صلوات و شعر عرفانی ام
منتظر طلعت نورانی ام

با صلوات خود کنون عاشقان
دیده گشایید به صاحب زمان

دیده بشوید به اشک بصر
با صلوات خود به وقت سحر

با صلواتی بنما دیده پاک
تا نگری او و شوی سینه چاک

با صلواتی چو ورا بنگرید
وز همه اسرار حق آگه شوید

با صلواتی کنم اینک تمام
دفتر شعر عشق او والسلام

با صلواتی شده فصل بهار
رسیده پایان دگر آن انتظار

حامد اصفهانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۳

مطابق با نهم ربیع الاول ۱۴۴۶

آغاز امامت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
الشریف

صلوات شمیم رحمت ۱۱

با صلواتی گل ایمان شکفت
تا بشد افشا همه راز نهفت

با صلواتی به سر شاخسار
چهچه زد کامده فصل بهار

با صلوات خود کنون عاشقان
دل بسپردند به صاحب زمان

با صلواتی همه ی دوستان
غرق طرب آمده در بوستان

با صلواتی ز ازل تا ابد
خلق جهان جلوه کند در احد

با صلوات ناب پروردگار
دوباره تجدید شده روزگار

زین صلوات شد سرآغاز عشق
خلق خدا شد همه دمساز عشق

عاشق و معشوق یکی بیشمار
با صلواتی همه پروردگار

با صلواتی همگی عاشقیم
خلقت خاص حضرت خالقیم

گو صلوات و دان تو راز صمد
خالق و مخلوق یکی دان احد

با صلوات خودت اخلاص خوان
خالق و مخلوق جدا یی مدان

با صلوات همه وحدت نگر
جلوه ی وحدت تو به کثرت نگر

با صلواتی همه هستی نگر
جمله ی هستی تو به مستی نگر

با صلواتی تو اگر زیرکی
کثرت و وحدت تو ببینی یکی

گو صلواتی و بشو محتضر
تا که ز اسرار شوی با خبر

با صلوات تو چو فانی شوی
بهره ور از بحر معانی شوی

با صلواتی به حقیقت بمیر
جام بقا ز دست ساقی بگیر

گو صلواتی که شوی رستگار
که خود ببینی خود پروردگار

با صلوات رود اهریمنی
چو نفس شیطانی خود بشکنی

با صلوات تو بیا ای عزیز
آب بر این آتش سوزان بریز

باصلوات چو شکبیا شوی
عالم در حل معما شوی

باصلوات بشو مشکل گشا
خود همه حاجات بشر کن روا

باصلوات تو خود اعجاز کن
به معرفت به عرش پرواز کن

باصلوات تو خودت را بیاب
تو خود بدی هماره خود در حجاب

باصلوات تو در آیینه بین
نزد خدا بوده تو خلوت نشین

باصلواتی به بهشت برین
گرد تو غلمان و بسی حورالعین

باصلوات تو تجلی کند
مرتبتت را متعالی کند

با صلواتی به محمد تو را
نشانده نزد او به لطفش خدا

با صلوات دل چو دادی به دوست
می نگری دوست تورا روبروست

با صلوات عاشقی می کنی
حق به تو گوید بنگر خود منی

با صلوات دلت آیینه شد
صیقلی از هر حسد و کینه شد

با صلوات به دلت کن نظر
می نگری حجت ثانی عشر

با صلوات خود چو شهد و شکر
سروده حامد به سحر شعر تر

حامد اصفهانی

۲۴ شهریور ۱۴۰۳

صلوات شمیم رحمت ۱۲

با صلوات خود تو بنما ظهور
که یوسف فاطمه دارد حضور

با صلواتی تو ز غیبت در آ
که بوده حاضر به یقین هر کجا

با صلواتی بشنو این کلام
نک شده هنگام نبرد و قیام

با صلواتی تو دو چشمت گشا
که کرده او چهره ی خود برملا

دیده گشا با صلوات و سلام
بین رخ زیبای ربیع الانام

با صلواتی تو ورا یار شو
برتر از میثم و عمار شو

با صلواتت چو تو یارش شوی
چو شاهدان جان نثارش شوی

با صلوات خویش در این مسیر
جام شهادت تو زمهدی بگیر

با صلواتی شده ام ندبه خوان
این الحسن این الحسین الامان

با صلوات خود کند دلبری
جان به فدای پسر عسکری

با صلوات خود کنم جان فدا
پیش قدم خاتم الاوصیا

با صلواتت بشو تسلیم یار
تا شودت یار به لیل و نهار

باصلواتت چو شوی مهدوی
بانگ لثارات ورا بشنوی

باصلواتت همه را کن دعا
امر فرج را بطلب از خدا

با صلوات خود بشو متقی
زمزمه کن ترانه ی عاشقی

با صلوات خود به روشنگری
یاور او باش به هر سنگری

با صلوات خود به صد شوق و شور
همره مهدی شو به صبح ظهور

با صلوات جان به جانان بده
تو جان همی بر سر پیمان بده

با صلوات خود بخوان هر سحر
دعای عهد و از گنه کن حذر

با صلواتی آل یاسین بخوان
کن همه دم یاد امام زمان

با صلواتی به شراب ظهور
محو جمالش شو به وقت ظهور

با صلواتی تو به هر انجمن
یاد نماز حجة ابن الحسن

به شوق دیدار امام زمان
با صلواتی بروم جمکران

با صلواتی به شمیم بهار
چهره نموده بر جهان آشکار

حامد اصفهانی

۲۴ شهریور ۱۴۰۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَتَحِيَّاتِهِمْ

خدایا...